

سید صولت مرتضوی در گفت‌وگو با چارسوگ
عملکرد دولت شهید رئیسی را با دولت‌های روحانی و پزشکیان مقایسه کرد:

فرق می‌کند چه کسی رئیس جمهور باشد

📌 دلار حدود ۳۰ هزار تومانی تحویلی از دولت روحانی
به حدود ۵۸ هزار تومان در پایان دولت شهید
رئیسی رسید، اما در دولت چهاردهم از ۲۵۰ هزار
تومان فراتر رفته است



📌 بر اساس آمار بانک جهانی، تعداد فقرا از ۲۹ میلیون
نفر در زمان روحانی به حدود ۱۹ میلیون نفر در دولت
سیزدهم کاهش یافت



📌 رشد اقتصادی در دهه ۹۰ به‌طور میانگین نزدیک
به صفر بود و دولت سیزدهم رشد منفی
نیم درصدی را به بیش از ۵ درصد رساند



📌 فروش نفت ایران از ۳۰۰ هزار بشکه در روز در زمان
دولت روحانی به یک میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه در
روز در دولت شهید رئیسی افزایش یافت



📌 نرخ بیکاری از حدود ۱۰ درصد در سال ۱۳۹۹ به نزدیک
۷ درصد در دولت سیزدهم رسید



📌 رشد بخش مسکن از منفی ۳ درصد در دوره دولت
روحانی به ۷ درصد در دولت شهید رئیسی رسید



📌 دولت شهید رئیسی در یک سال ۳۷ سفر
استانی انجام داد



همتی باید پاسخگوی افزایش قیمت دلار باشد

بخش‌ها حدود ۲۰ درصد نیز افزایش یافته است.
وی ادامه داد: در بسیاری از بخش‌ها، کشور تولیدکننده است و در حوزه
ارزی نیز وضعیت مطلوبی وجود دارد و ایران در حال حاضر هم نفت
خود را به فروش می‌رساند.
خضریان درباره افزایش نرخ ارز نیز گفت: در خصوص افزایش نرخ ارز،
آقای همتی باید توضیحات لازم را ارائه دهد و دولت و بانک مرکزی باید
در این زمینه پاسخگو باشند.
وی با اشاره به استیضاح عبدالناصر همتی در دوره وزارت اقتصاد افزود: اساس
استیضاح همتی نیز موضوع ارز بود و باید در این زمینه نظر کارشناسان
مورد توجه قرار می‌گرفت، اما دولت بار دیگر نظر کارشناسی را کنار
گذاشت و عبدالناصر همتی را به عنوان رئیس کل بانک مرکزی منصوب کرد.
علی خضریان با اشاره به وضعیت نرخ ارز و تاب‌آوری اقتصادی کشور اظهار
کرد: در کمیسیون تلفیق بودجه سال ۱۴۰۵ از نمایندگان دولت درباره نرخ
ارز سؤال شد و آنها اعلام کردند متوسط نرخ ارز در سال ۱۴۰۵ باید حدود
۲۰۰ هزار تومان باشد، این در حالی است که نرخ ارز اکنون بالاتر از این
رقم قرار دارد. وی افزود: حدود ۲۰ تا ۲۰ درصد افزایش نرخ ارز می‌تواند
ناشی از شرایط جنگی باشد، البته ممکن است صادرات غیرنفتی کشور
نیز در برخی بخش‌ها با مشکل مواجه شده باشد که باید مسیرهای
صادراتی را برای این بخش‌ها باز کرد.



📌 علی خضریان، نماینده مجلس گفت: افزایش نرخ ارز ربطی به
محاصره ایران ندارد و بانک مرکزی باید پاسخگو باشد.
وی با اشاره به موضوع تاب‌آوری اقتصادی کشور اظهار کرد: از منظر
تاب‌آوری، مهم‌ترین مسئله تأمین کالاهای اساسی و غذای مردم است.
در حال حاضر کالاهای اساسی نه‌تنها به میزان کفایت، بلکه بیش از
نیاز کشور وجود دارد و با توجه به شرایط جنگی، میزان تولید در برخی

۱۰ هزار دلار به هر کارت ملی ایجاد رانت ارزی در شرایط جنگی



فعلاً ۲ میلیارد تومان منابع دارد که بخواهد با آن ارز خریداری کند؟
رئیس کمیسیون ویژه حمایت از تولید و نظارت بر اجرای سیاست‌های
کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تأکید کرد: واقعاً برای ما نیز جای تعجب
است که بانک مرکزی به دنبال چه مسئله‌ای است، آیا از لحاظ روانی
می‌خواهد به جامعه بگوید که ما دلار زیادی داریم؟ این موضوع را بارها
آزموده‌ایم و اثری هم نداشته است. وقتی قیمت دلار در حال افزایش
است، هرچقدر هم ارز عرضه کنیم، نمی‌تواند تأثیر روانی مورد انتظار
را در جامعه ایجاد کند.

📌 رئیس کمیسیون ویژه
حمایت از تولید مجلس با انتقاد
از سیاست‌های ارزی دولت گفت:
پرداخت ۱۰ هزار دلار به هر فرد
در شرایطی که نرخ ارز در بازار
حدود ۲۵۰۰ الی ۲۶۰۰ هزار تومان است، عملاً رانت قابل توجهی
ایجاد می‌کند و این رانت در اختیار افرادی قرار می‌گیرد که توانایی
خرید ۱۰ هزار دلار را دارند.

محسن زنگنه در گفت‌وگو با خبرگزاری خانه ملت، با اشاره به افزایش
قیمت دلار و مأموریت‌های دولت برای کنترل تنش‌های ارزی، گفت:
در زمینه ارز، یک بحث محدودیت‌های ارزی است که به دلیل جنگ
با آن مواجه هستیم و بخشی از این محدودیت‌ها کاملاً طبیعی است،
اما اینکه این میزان تغییر در قیمت ارز را به صورت مستقیم به جنگ
مرتبط بدانیم و همه علت افزایش نرخ ارز را ناشی از جنگ بدانیم، به
نظر من منطقی نیست. نماینده مردم «ترتیب حیدریه و مه‌ولات» در
مجلس شورای اسلامی بیان کرد: نوع سیاست‌هایی که در ساختار
اقتصادی کشور وجود دارد، متأسفانه طی چند سال گذشته به شدت
به پول ملی ضربه زده و این روند همچنان ادامه دارد.

واگذاری ۱۰ هزار دلار به هر کارت ملی چه توجیهی دارد؟

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس ادامه داد: علاوه
بر این، در انشای جنگ شاهد اتفاقات عجیبی هستیم؛ مانند همین
واگذاری ۱۰ هزار دلار به هر کارت ملی، آن هم در شرایطی که دلار در
بازار مثلاً حدود ۲۵۰۰ الی ۲۶۰۰ هزار تومان قیمت دارد و این ارز با قیمت
پایین‌تری داده می‌شود.
وی افزود: اگر ۱۰ هزار دلار را در این اختلاف قیمت ضرب کنیم، می‌بینیم
که مبلغ بسیار زیادی رانت در این میان وجود دارد و این رانت نیز در
اختیار افراد خاصی قرار می‌گیرد؛ چراکه چه کسی واقعاً در شرایط

در شرایط افزایش مستمر قیمت دلار، بازدید رئیس بانک مرکزی از یک کارخانه اسباب‌بازی با انتقادات زیادی مواجه شد





آمریکا چطور با «کمیته بازسازی» منابع اقتصادی عراق را در دست گرفت؟

براساس داده‌های سازمان بین‌المللی کار، نرخ بیکاری جوانان در عراق حدود ۱۳٫۵ درصد است اما در برخی مناطق منطقه کردستان، این رقم به ۵۴٫۷ درصد می‌رسد. بیش از ۶۰ درصد جمعیت عراق زیر ۲۴ سال است. مشارکت زنان در بازار کار از ۱۰٫۶ درصد فراتر نمی‌رود. نرخ فقر در استان‌هایی مانند مثنی به ۴۳٫۶ درصد و در بابل به ۳۴٫۴ درصد می‌رسد. عراق با ۴۷ میلیون نفر جمعیت و ذخایر نفتی در جایگاه پنجم جهانی، از نظر منابع طبیعی یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان است. در سال ۲۰۲۵، پخش نفت ۵۳ درصد از تولید ناخالص داخلی، ۸۸ درصد از درآمدهای دولت و ۹۱ درصد از صادرات کالایی این کشور را تشکیل می‌داد. بااین حال، همین کشور در سال ۲۰۲۶ با انقباض اقتصادی نزدیک به ۱۲ درصدی مواجه شده‌است. این تناقض ثروت سرشار در برابر فقر گسترده نه یک اتفاق تصادفی، بلکه محصول دوده مدیریت اقتصادی از بیرون است. برای فهم ریشه این ماجرا باید به نقطه صفر بازگشت. در سال ۲۰۰۳، «کمیته بازسازی عراق» به ریاست پل برمر، دیپلمات آمریکایی، همه منابع اقتصادی این کشور را در دست گرفت. از آن لحظه، پول حاصل از فروش نفت عراق به فدرال رزرو نیویورک می‌رود و از آنجا بر اساس صلاح‌دید واشنگتن به تأمین مایحتاج این کشور اختصاص می‌یابد. این ساختار که با دستوره‌ای اجرایی هر رئیس‌جمهور آمریکا تمدید می‌شود اهرمی به واشنگتن داده به‌طور کامل بر اقتصاد عراق اشتراف داشته باشد و بغداد را به خرید محصولات مصرفی ساخت آمریکا وادار کند.

در نتیجه کشوری که حدود ۹۰ درصد بودجه‌اش را از نفت تأمین می‌کند، درآمد اصلی‌اش را در بانکی نگهداری می‌کند که خارج از حوزه حاکمیت حقوقی خودش است. فرشی‌د فرحناکیان، دکترای حقوق نفت و گاز و این وضعیت را «وابستگی متقابل نامتقارن» می‌نامد و توضیح می‌دهد: «عراق برای بقا به این سیستم نیاز دارد؛ آمریکا برای نفوذ به آن نیاز دارد. این عدم تقارن، به واشنگتن امکان می‌دهد بدون تحریم رسمی و بدون هزینه‌های سیاسی گسترده، رفتار اقتصادی بغداد را هدایت کند.» اما درباره اینکه چرا آمریکا از رزول پول نفت عراق را در دست گرفت، باید گفت آلن کریسنپن، رئیس پیشین فدرال رزرو آمریکا در خاطرات خود اعتراف می‌کند: «متأسفم که از نظر سیاسی مصلحت نیست آنچه همه می‌دانند را بپذیریم؛ جنگ عراق عمداً بر سر نفت بود.» اما این اعتراف تنها بخشی از تصویر است. براساس داده‌های بانک جهانی، عراق در دهه ۱۹۸۰ یکی از پیشرفته‌ترین اقتصادهای جهان عرب را داشت اما حمله ۲۰۰۳ اقتصاد عراق را بین ۲۴ تا ۵۲ درصد دیگر عقب راند.

براساس گزارش مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی (CSIS) در اکتبر ۲۰۲۰، طبقه متوسط عراق از ۶۱ درصد جمعیت در سال ۲۰۰۷ به ۳۰ درصد در سال ۲۰۲۰ کاهش یافت و در همین دوره طبقه پایین از ۲۳ به ۶۰ درصد رسید یعنی عملیات نظامی ۲۰۰۳ نه فقط رژیم صدام را ساقط کرد، بلکه ستون فقرات اقتصادی یک ملت را شکست. براساس آخرین نظرسنجی اجتماعی اقتصادی وزارت برنامه‌ریزی عراق (۲۰۲۵)، نرخ فقر به ۱۷٫۵ درصد و بیکاری به ۱۳ درصد کاهش یافته اما توزیع درآمد به شدت نابرابر است؛ ۱۰ درصد بالای جامعه ۲۴٫۲۵ درصد درآمد را در اختیار دارند و ضریب جینی حدود ۰٫۳۲ است و از همین رو طبقه متوسط عراق در خطرناک‌ترین موج تخریب خود از سال ۲۰۰۳ قرار دارد. ناصر الکلانی، کارشناس اقتصادی هشدار داده که استمرار این مسیر به محیط اقتصادی شکندت و ترو تعقیب بی‌اعتمادی به اقدام مالی منجر خواهد شد. بعد از این نقطه گذاری اقتصادی، ثروت عراق به جای آنکه صرف بازسازی و بهبود زندگی مردم شود، در چرخه‌ای از تاراج اداری ناپدید شد. بیش از ۲۲۰ میلیارد دلار بودجه بازسازی به این کشور سرازیر شد اما نظام سپهبدی همان تقسیم قدرت و امتیازها بر اساس سهمیه‌های طایفی و قومی این پول را به اموالی تبدیل کرد که فقط به دست گروه‌های ذی نفوذ و نزدیکان قدرت می‌رسید. این نظام، محصول یک تصمیم داخلی عراقی نبود؛ بلکه واشنگتن خود معمار اصلی آن بود. در سال ۲۰۰۳، پل برمر، حاکم مدنی آمریکا در عراق با تشکیل «مجلس حاکم» ۱۲ نفره، کرسی‌ها را بر اساس سهمیه‌های مذهبی و قومی تقسیم کرد. مجلس بروکنیکگر در گزارش خود نوشت که «جریان پول‌های بی‌نظم، تشنگی رشوه و پول آسان را در تقریباً هر سطحی از حکومت به راه انداخت.» برگردها از خسارت ناشی از فساد در عراق از سال ۲۰۰۳ تاکنون بیش از ۳۰۰ تا ۷۷۶ میلیارد دلار است؛ در حالی که این پول می‌توانست ۱۰ هزار مدرسه، هزار بیمارستان و ۵ هزار مجتمع مسکونی بسازد اما امروز ۳۰۲ میلیون کودک عراقی در سن مدرسه بیرون از کلاس درس هستند و یک چهارم جمعیت زیر خط فقر زندگی می‌کنند. این ارقام تنها بخشی از واقعیت است. بیش از ۱٫۵ تریلیون دلار درآمد نفتی از سال ۲۰۰۳ تاکنون تولید شده اما کمتر از ۲۰ درصد آن صرف خدمات اساسی مانند زیرساخت، آموزش و بهداشت شده‌است.

بروکس، محقق بنیاد کارنگی، در این باره می‌گوید: «عراق کشوری است که در آن منابع مالی فراوان و مدیریت ضعیف به یک بیماری مزمن تبدیل شده است.» اقتصاددانان عراقی نیز که در اواخر ۲۰۲۳ هشدار داده بودند «با ادامه این روند، عراق به کشوری تبدیل می‌شود که نفت می‌فروشد اما نمی‌تواند مدارس و بیمارستان بسازد.» حالا شاهد تحقش پیش‌بینی خود هستند. اما شاید ملموس‌ترین تصویر از این بحران در زندگی روزمره عراقی‌ها ببینیم. تصور کنید در بغداد، با پانخت کشوری که روزانه ۳ میلیون بشکه نفت صادر می‌کند، ساکن هستید. روزانه چند ساعت قطعی برق دارید. شبکه راه‌های کشور همچنان توسعه‌نیافته و خدمات شهری در وضعیت بحرانی است. معبد رضا حریری، رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و چین در این باره می‌پرسد: «آیا عراقی‌ها امروز راحت‌تر ایرانی‌ها زندگی می‌کنند؟ یا وجود اینکه عراق تقریباً چهار برابر ایران درآمد نفتی دارد، پاسخ براساس واقعیت‌های میدانی منفی است.» برای فهم عمق این بحران، باید دید که این پول کجای می‌رود. حتی هزینه‌های جاری عزیز نیز به شدت متورم شده‌است؛ حقوق و مستمری‌ها بیش از ۵۰ درصد کل هزینه‌های دولت را تشکیل می‌دهد و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ به ۵۴ درصد برسد. قیمت سربیه سر مالی عراق یعنی قیمت نفتی که برای متعادل بودن بودجه لازم است ۹۲ دلار در هر بشکه برنت است، در حالی که میانگین قیمت برنت در ۲۰۲۵ حدود ۷۱ دلار بود. این شکاف ۴ دلاری، هرامه میلیاردها دلار شکه عراق بودجه ایجاد می‌کند. بااین حال، هیچ بخشی از اقتصاد عراق به اندازه انرژی، وابستگی و آسیب‌پذیری را هم‌زمان تجربه نمی‌کند. گاز ایران بین ۴۰ تا ۶۰ درصد نیاز نیروگاه‌های عراق را تأمین می‌کند و توقف آن می‌تواند روزانه حدود ۴۰۰ تا ۴۵۰ مگاوات از ظرفیت تولید برق را از مدار خارج کند. در دسامبر ۲۰۲۵، قطع کامل گاز ایران برای سه روز، موجب خروج حدود ۴۰۰۰ مگاوات برق از شبکه عراق شد و وزارت برق این کشور رسماً اعلام کرد که «هیچ جایگزینی برای واردات گاز از ایران ندارد.»

نصف اقتصاد رادر دست بگیرید

بخارنوت



سید صولت مرتضوی در گفت‌وگو با چارسوق عملکرد دولت شهید رئیسی را با عملکرد دولت‌های روحانی و پزشکیان مقایسه کرد:

فرق می‌کند چه کسی رئیس‌جمهور باشد

■ **رشد اقتصادی در دهه ۹۰ به‌طور میانگین نزدیک به صفر بود و دولت سیزدهم رشد منفی نیم‌درصدی را به بیش از ۵ درصد رساند** ■ **فروش نفت ایران از ۳۰۰ هزار بشکه در روز در زمان دولت روحانی به یک میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه در روز در دولت شهید رئیسی افزایش یافت** ■ **نرخ بیکاری از حدود ۱۰ درصد در سال ۱۳۹۹ به نزدیک ۷ درصد در دولت سیزدهم رسید** ■ **براساس آمار بانک جهانی، تعداد فقرا از ۲۹ میلیون نفر در زمان روحانی به حدود ۱۹ میلیون نفر در دولت سیزدهم کاهش یافت** ■ **نرخ تورم از ۵۰ درصد به ۳۲ درصد و رشد نقدینگی از ۵۰ درصد به ۲۶ درصد در دولت شهید رئیسی رسید** ■ **در کمتر از ۳ سال دولت شهید رئیسی، عملیات اجرایی احداث ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار واحد مسکونی آغاز شد و ۶۰۰ هزار واحد به مردم تحویل داده شد**

گفت‌وگو

برای ارزیابی بهتر از عملکرد دولت شهید رئیسی در میانه فضای تخریب‌های ناجوانمردانه اخیر علیه ایشان، به گفت‌وگو با «سید صولت مرتضوی»، معاون اجرایی رئیس‌جمهور سابق و وزیر سابق تعاون، کار و رفاه اجتماعی پرداخته‌ام:

■ **دولت شهید رئیسی و شخص ایشان دقیقاً چه چیزی را از دولت یازدهم و دوازدهم تحویل گرفتند یا اگر بخواهیم صریح‌تر بپرسم میراث دوران حسن روحانی برای دولت سیزدهم چه بود؟**

برای ارزیابی دولت‌ها باید به داده‌ای آماری توجه کرد؛ چراکه داده‌های آماری هستند که در طول تاریخ ماندگار می‌شوند و تأثیر دادرسی خواهند ماند. آنچه که شهید رئیسی و دولت او در سال ۱۴۰۰ از دولت پیش از خودشان تحویل گرفتند با یک جستجوی ساده در فضای مجازی برای عموم مردم و صاحب‌نظران قابل دسترسی است. بهتر است براساس داده‌های آماری بانک مرکزی، مرکز آمار ایران، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی دهه ۹۰ را از همه جنبه‌ها بررسی کنید. در دهه ۹۰ رشد اقتصادی ایران به‌طور میانگین نزدیک به صفر بوده است. یعنی دهه ۹۰ را به لطف دولت روحانی و تفرکات امثال او درجا زده‌ایم. نرخ بیکاری ایران در سال ۱۳۹۹ حدود ۱۰ درصد بوده است. همچنین آمار فقر در ایران بر پایه آمار بانک جهانی در همین سال ۲۹ میلیون نفر بوده است. رشد نقدینگی و میزان تورم هم در پایان دولت روحانی هر دو بالای ۵۰ درصد بود. مردم هنوز ورود اپیدی کرونا به کشور را به یاد دارند. روزهایی که دولت روحانی کاملاً منغل عملی می‌کرد و روزانه ۷۵۰ نفر در ایران جان می‌دادند. این‌ها دقیقاً کارنامه حسن روحانی و آنچه تحویل دولت شهید رئیسی داده است.

■ **دولت شهید رئیسی با این میراث شوم دولت روحانی چه کرد؟**

آیت‌الله شهید رئیسی به اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصاد درون‌زای برون‌نگر به عنوان خواست رهبری شهید ما و همچنین به توانمندی جوانان این مرزوبوم باور داشت. ایشان پس از تحلیف و تنفیذ با وجود اینکه معاونان و وزرا همچنان از دولت قبل بودند کار را به سرعت آغاز کرد. یکی از اولین اقدامات شهید رئیسی تماس تلفنی با رئیس‌جمهور چین بود که نتیجه این تماس حل مشکل واکسن کرونا در ایران زیر یک ماه رسیدن تلفات روزانه کشور از بیش از ۷۰۰۰ به زیر ۱۰ نفر بود. در حالی که آقای روحانی و دولتمردان ایشان دائماً بیانی می‌کردند که با وجود تحریم، امکان واردات واکسن کرونا به کشور وجود ندارد. همچنین شهید رئیسی تنها در عرض چند ماه موفق شد رشد اقتصادی منفی نیم‌درصد تحویلی از دولت روحانی را به بیش از ۵ درصد برساند. آمار فروش نفت نیز در دولت شهید رئیسی از ۳۰۰ هزار بشکه زمان روحانی به یک میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه در روز افزایش یافت. همچنین باتلاش دولت شهید رئیسی نرخ بیکاری از ۱۰ درصد به نزدیک ۷ درصد کاهش یافت. از سوی دیگر براساس آمار بانک جهانی، تعداد فقرای ایران از ۲۹ میلیون نفر در زمان روحانی به حدود ۱۹ میلیون نفر در دولت سیزدهم رسید. نرخ تورم در دولت شهید رئیسی نزولی بود و از ۵۰ درصد به ۳۲ درصد افت کرد. همچنین ما موفق شدیم نرخ رشد نقدینگی را در دولت سیزدهم از ۵۰ درصد دوران روحانی به ۲۶ درصد برسانیم. علاوه بر تمام این موارد، در دولت سیزدهم ۱۰ هزار کارخانه ایجاد شد. البته همه این اتفاقات در حالی رخ داد که نه تحریمی برداشته شد؛ نه منابع ایران آزاد شد؛ نه برجامی حل شد و نه با یک‌دخما مذاکره کردیم. امید شهید جمهور ما نه به کذب بلکه به خدا بود. یکی از سوالاتی که دائماً از ما مدیران دولت شهید رئیسی می‌پرسند این است که چگونه توانستیم با وجود کاهش رشد نقدینگی نرخ بیکاری را کاهش دهیم. پاسخ این است که ما در دولت شهید رئیسی توانستیم منابع می‌یاد را منع مردمی را با یک‌دیگر اهرم کنیم و از تمامی ظرفیت‌های کشور برای ایجاد اشتغال بهره ببریم. همین شد که سالیانه به‌طور میانگین یک میلیون و ۱۰۰ هزار شغل در دولت شهید رئیسی به وجود آمد.

■ **اگر بخواهیم شخصیت رئیس دولت‌های یازدهم و دوازدهم را بربرسی در دقایق تری کنیم و بشناسیم باید به چه مواردی توجه کنیم؟**

چه خوب است که حسن روحانی را از زمان خودش بررسی کنیم. او

Charsoogh newspaper

■ یکشنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۵ ■ سال سوم ■ شماره ۵۷۱

نمود؟ دولت شهید رئیسی و شخص ایشان، مثل دولت روحانی اهل دیپلماسی انتقامی نبودند. بلکه بر مبنای عزت، حکمت و مصلحت سیاست خارجی کشور را به پیش می‌بردند. باید یادی کنیم که از شهید دکتر امیرعبیداللهان که انصافاً معمار سیاست خارجی نوین منطقه‌ای ایران بودند و یک ورژنه مهم در دولت شهید رئیسی محسوب می‌شدند. آیا همان ارتباطات ارزشمندی که شهید امیرعبیداللهان با کشورهای همسایه برقرار کردند در دوران جنگ‌های ۱۲ و ۴ روزه، عامل شکست برنامه دشمن در منزوی کردن ایران نشد؟ انصافاً دولت فعلی به پشتوانه همان روابط و ارتباطاتی که شهید امیرعبیداللهان زحمت آن را کشیده بود توانست بسیاری از محدودیت‌هایی که دشمن وضع کرده بود از جمله محاصره دریایی را دور بزند. این‌ها حقایق غیرقابل کتمان است.

■ **توصیه شما در شرایط فعلی برای مسئولان دولت چهاردهم چیست؟**

توصیه من به دولتمردان عزیزمان از جمله دکتر پزشکیان و دکتر عارف در این شرایط جنگی و تلاش دشمن برای فشار بر اقتصاد ایران، این است که به سیره دولت شهید رئیسی در اقتصاد و عرصه‌های دیگر عمل کنند. ببینید ما در دولت شهید رئیسی برای هر کاری محور مشخص داشتیم و وظایف هر شخص، نهاد، سازمان و وزارتخانه‌ای به دقت تعریف شده بود. حتی استانداران به معنای واقعی کلمه در استان خودشان رئیس‌جمهور بودند. یعنی ما در مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دقیقاً می‌دانستیم که می‌خواهیم چه کنیم و کارها را باید چگونه به سرانجام برسانیم. متأسفانه این‌ها در دولت آقای پزشکیان دیده نمی‌شود و ظاهراً نوعی از بی‌نظمی وجود دارد که مناسب شرایط جنگ تحمیلی از سوی دشمن آمریکایی نیست.

■ **داد مردم این روزها بیش از هر چیز از گرانی افسارگسیخته درآمده است. نگاه شهید رئیسی به مشکل گرانی چگونه بود؟**

آیت‌الله شهید رئیسی بر روی گرانی‌ها بسیار حساس بود. مثلاً اگر کالایی حتی به مقدار بسیار کمی افزایش قیمت پیدا می‌کرد و این افزایش، مصوب شورای ستاد تنظیم بازار نبود از همه ما بازخواست می‌کرد. ایشان با هیچ کس در بحث حقوق مردم روبراستی نداشت و صراحتاً در هیات دولت‌ها در بزرترین نکات باره وزرا و معاونان گوشزد می‌کرد. ایشان با دقت نظارت می‌کردند که جلسات ستاد تنظیم بازار به صورت منظم و هفتگی به ریاست معاون اول تشکیل شود. گاهی هم خودشان شخصاً ریاست جلسه را بر عهده می‌گرفتند و انصافاً آرام و قرار نداشت که مبادا اگرانی‌ها به مردم فشاری وارد کند. ایشان بحث کنترل بازار را بسیار جدی می‌گرفت و اصرار داشت وزیر دادگستری که تعزیرات زیرمجموعه ایشان است، و وزرای صمت و جهاد کشاورزی در زمینه جلوگیری از گرانی‌های غیرقانونی جدی باشند. حتی یادم است گاهی به گزارش‌های دو وزارتخانه صمت و جهاد افتقانی کرد و پیش از جلسات هیات دولت، افراد معتمدی را برای بررسی وضعیت بازار و قیمت‌های فرستاد.

■ **لطفاً مقایسه‌ای میان حذف ارز ترجیحی در دو دولت سیزدهم و چهاردهم و تبعات آن بفرمایید.**

دولت شهید رئیسی هم جراحی اقتصادی و حذف ارز ترجیحی انجام داد اما به قدری این کار را هوشمندانه به

پیش برد که دلار حدود ۳۰ هزار تومانی که از دولت حسن روحانی تحویل گرفته بود را حدود ۵۸ هزار تومان به دولت آقای پزشکیان تحویل داد. اما یادمان دارم که دولت آقای روحانی دلار ۴ هزار ۲۰۰ تومانی را حتی مقاطعی ۳۳ هزار تومان بالا برد. همچنین وضعیت حال حاضر دلار واقعاً عجیب است. دلاری که

دولت پزشکیان ۵۸ هزار تومان از ما تحویل گرفته تنها در طول دو سال در حال فراتر رفتن از ۲۵۰ هزار تومان است. به راستی چه کسی پاسخگوی این رهاشدگی بازار ارز و رنج مردم است؟ آقای همتی که به خاطر دلار ۴۰ هزار تومانی به شهید رئیسی پیشنهاد استعفا داد؛ امروز چه عملکردی دارد؟ خیلی برایم جای سوال دارد که به راستی عبدالناصر همتی با این وضعیتی که در بازار ارز به راه انداخته چه نمره‌ای به خودش می‌دهد. توصیه من به آقای پزشکیان این است که اگر می‌خواهد دولت‌اش از این متجارب خودساخته خارج شود؛ از افرادی استفاده کند که اهل صداقت، نظارت، هدایت و خودباوری باشند و شعار ما می‌توانیم را قبول داشته باشند. آقای دکتر پزشکیان، ریاست محترم جمهور، ما به شما علاقه داریم و می‌خواهیم موفق شوید. به خدا قسم که ما همین داشته‌های می‌توان کشور را به بهترین شکل اداره کرد. فقط کافی است به افراد شایسته را به کار بگیرید و به آن‌ها اعتماد کنید.

■ **لطفاً تأثیر روحیه خودباوری یک ملت در برابر استعمارگران و ابرقدرت‌ها را توضیح دهید.**

این روزها مصداق خودباوری و ما می‌توانیم را در صحنه مقاومت ملت‌های محور مقاومت علیه غرب و هم‌پیمانانش می‌بینیم. نگاهی به غوغای انصارالله یمن بیندازید. نیروهای مقاومت مردمی یمن موفق شده‌اند ۵ هزار ۴۰۰ کیلومتر مربع از خاک و سرزمینشان را از چنگال مزدوران سعودی ظرف چند روز آزاد کنند. آیا عظمت این حرکت عظیم نباید به درستی تبیین شود. انصافاً حجم سلاح و لجستیک یمنی‌ها با سعودی و هم‌پیمانانش قابل مقایسه است؟ آیا دلیل موفقیت یمنی‌ها جز این است که به شعار ما می‌توانیم باور دارند خاک و خون در راه میهنشان می‌خورند اما خاک نمی‌دهند؟ این‌ها برای ما مسئولان درس عبرت است. چرا که مردم ایران در این حدود ۲۰۰ شب حماسه سازی میدانی، ثابت کرده‌اند خیلی بهتر و بیشتر از ما مسئولان، مفهوم ما می‌توانیم را درک می‌کنند. این نگاه مقاومتی مردم ایران و یمن را با نگاه امثال آقای روحانی و ظرفیت مقایسه کنید که فکرمی کردند آمریکا با یک دکمه می‌تواند تمام توان نظامی ما را از کار بپزند. در حالی که جوانان ما در نیروهای مسلح نشان دادند که با شعار ما می‌توانیم چگونه می‌شود آمریکا را ذلیل و ابهت پوشالی‌اش را نابود کرد.

■ **به عنوان شخصی که هم معاون اجرایی رئیس‌جمهور و هم وزیر بوده‌اید معتقدید که آیا مردم باید از محاصره دریایی دشمن در هراس باشند؟**

مردم عزیز ایران از محاصره دریایی دشمن هیچ هراسی ندانسته باشند. اولاً که نظام محکم پای کار استاده و برای رفیع نیازهای اساسی مردم از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد کرد. ثانیاً فضای مهدلی و برادری میان مردم و بازاریان واقعاً بی‌ظنیر است و همان‌طور که آقای شهید و مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای فرموده‌اند در راستی ملت ایران مبعوث شده است. مردم عزیز بنگرند چگونه بازار کشوری که ۶ ماه درگیر جنگ و محاصره دریایی بوده بر خودار از وفور نعمت است. چنین چیزی در تاریخ بی‌سابقه است. ما هم قبول داریم که گرانی‌ها مردم را از می‌دهد و باید نظارت‌ها افزایش یابد تا قیمت‌ها علاقه‌تر شود. اما خدا و کویلی ما نه کمبودی در بازار داریم و نه اصلاً قطعی رخ داده است. این واقعاً ارزشمند است.

■ **از نگاه شما دلیل حملات هدفمندی که طی ماه‌های اخیر به رسانه ملی در داخل و خارج کشور می‌شود چیست؟**

این روزها شاهدیم که دشمن به نقطه قوت جمهوری اسلامی ایران یعنی صداوسیما حمله می‌کند. البته من هم قبول دارم که صداوسیما ایراداتی دارد و انتقادات به آن وارد است. اما برخی به دنبال تسویه حساب‌های شخصی با نظام مقدس جمهوری اسلامی هستند و حرف‌های منافقین دهه ۶۰ را تکرار می‌کنند. یک زمانی منافقین در دهه ۶۰ شعار «صداوسیما ما را از انحصار حزبی، آزاد یابدی کرده» سری می‌دادند. در دوران اصلاحات نیز همان جریان انحرافی شعار «سیما را لایحانی خاموش باید کرده» را فریاد می‌زد. الان هم صداوسیما را «رسانه ملی» لقب می‌دهند. باز هم تأکید می‌کنم که این‌ها به دنبال ضربه به نقطه قوت جمهوری اسلامی یعنی رسانه ملی هستند. چرا که صداوسیما برای ایران توانسته در سطح جهانی صدای مظلومین باشد. از سوی دیگر، خاطره‌ای نقل می‌کنم که بر صداسوسیما، رهبر شهید ما حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای با زدیید از مجموعه رسانه ملی داشتند و در آنجا فرمودند: «امروز جنگ در عرصه جهانی، نبرد رسانه‌ها است و انصافاً صداوسیما جمهوری اسلامی ایران در این عرصه خوب درخشیده است.» بنابراین توصیه من به همه این است که انتقاداتمان را صریح بگوییم اما به دنبال کینه‌توزی و نباشیم و خدایی ناکرده ادامه مسیر باطل دشمن را پیگیری نکنیم. توجه کنیم که دشمن خیرخواه مردم ایران نیست.

■ **فصل‌ها هر شخصیتی نقاط قوت و ضعف دارد که قابل تقدیر بررسی منصفانه است. اما این روزها شاهد موج تخریب و هتک حرمت از شخصیت رئیس‌جمهور شهید حضرت آیت‌الله رئیسی هستیم. نظر شما در این زمینه چیست؟**

من معتقدم رئیسی خوشبختی است که بدخواهان توان پنجه کشیدن به روی آن را ندارند. مایلم خاطره‌ای نقل کنم. در مراسم تشییع و تدفین شهید رئیسی میزان امیر قطر بودیم و هیچ‌گاه یاد نمی‌رود که رهبری شهید ما حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای در حضور امیر قطر در وصف شهید رئیسی فرمودند: «ملت ایران، شخصیتی جامع‌الاطراف را از دست داد.»

انصافاً توهمین‌هایی که این روزها عده‌ای نادان به شهید رئیسی روا می‌دارند به مانند ظلم گسترده‌ای که در دوران حیات این شهید عزیز در حق ایشان انجام دادند حقیقتاً تلخ است. اما در مکتب رئیسی عزیز، اصل در مجاهدت و خدمت به مردم پرهیز از حاشیه‌هاست. من برای همه غافلان توهمین‌کننده آرزوی کنم که توفیق توبه‌یابد کنند و جمله‌ای دیگر رئیسی عرض می‌کند: «اگر دولت شهید رئیسی ادامه می‌یافت؛ بسیاری از مشکلات کشور حل می‌شد.» ان‌شاءالله خداوند همه ما را به راه راست هدایت کند.

■ **رشد بخش مسکن از منفی ۳ درصد در دوره دولت روحانی به ۷ درصد در دولت شهید رئیسی رسید**

■ **دولت شهید رئیسی در یک سال ۳۷ سفر استانی انجام داد**

■ **دلار حدود ۳۰ هزار تومانی تحویل از دولت روحانی به حدود ۵۸ هزار تومان در پایان دولت شهید رئیسی رسید، اما در دولت چهاردهم از ۲۵ هزار تومان فراتر رفته است**



تهدید ایران باید هزینه‌زا و همکاری با ایران منفعت‌آفرین باشد

گزارش

بسیاری از ایده‌های سیاسی ابتدادر محافل نخبگانی شکل می‌گیرند

میرزایی ادامه داد: باید علاوه بر مواضع رسمی دولت‌ها، اتفاقاتی را که در محافل نخبگانی، رسانه‌ای، نهادهای تخصصی ومیان فعالان اقتصادی رخ می‌دهد نیز دید؛ زیرا بسیاری از ایده‌هایی که بعداً در سیاست تبلور پیدا می‌کند، از همین فضاها آغاز می‌شود. وی افزود: در چنین شرایطی نقش اندیشکده‌ها نیز تغییر می‌کند. انتظار سنتی از یک اندیشکده این است که درباره مسئله‌ای پژوهش نخبگانی» برای اثرگذاری بر ادراک و محاسبات بازیگران خارجی استفاده کنند. سه دستور کار اصلی برای ایران در شرایط فعلی عبارتست از «هزینه تهدید ایران را بالا ببریم»، «آسیب‌پذیری‌های داخلی را کم کنیم» و «همکاری با ایران را برای دیگران سودمندتر کنیم». باید دو گزاره در محاسبات طرف‌های خارجی تثبیت شود: اینکه «تهدید ایران هزینه‌داره» و «همکار با ایران منفعت‌داره».

مهدی میرزایی، رئیس اندیشکده حکمرانی شریف با اشاره به موضوع «نظم‌نوین جهانی و بازآفرینی قدرت ایران» گفت: می‌خواهم از زاویه‌ای متفاوت‌تر به نقش اندیشکده‌ها در این مسئله بپردازم و بحث را در دو بخش جمع‌بندی کنم: نخست اینکه در جهان در حال تغییر امروز، اندیشکده‌ها و نخبگان چه نقشی می‌توانند داشته باشند و دوم اینکه این نقش چگونه می‌تواند به کاهش تهدیدها و پیشرفت ایران کمک کند.

وی افزود: در شرایطی که تحولات جهان با سرعت زیادی پیش می‌رود، رقابت‌ کشورها در حال تغییر است، بازیگران اثرگذار جدیدی وارد عرصه بین‌المللی می‌شوند و پیش‌بینی آینده دشوارتر شده، شناخت مواضع رسمی کشورها لازم است، اما کافی نیست.

پیروزی در «مسابقه تاب‌آوری» با آمریکا به «آرایش جنگی» نیاز دارد

میرهادی رهگشای، سردبیر رسانه «مسیر اقتصاد» و کارشناس اقتصادی، با بیان اینکه تقابل ایران و آمریکا پس از دوره نخست جنگ نظامی به یک «مسابقه تاب‌آوری» تبدیل شده‌است، گفت: ایران در ماه‌های گذشته تاب‌آوری خود را نشان داده و با ابتکار، تنگه هرمز فشار متقابلی بر بازارهای جهانی و اقتصاد آمریکا وارد کرده، اما در عرصه اقتصادی هنوز آرایش متناسب با جنگ شکل نگرفته است. در شرایطی که آمریکا به‌صورت هماهنگ از ابزارهای نظامی، اقتصادی، روانی و رسانه‌ای استفاده می‌کند، در ایران حتی درباره افزایش کالابزرگ متناسب با نرخ ماه‌ها بحث می‌شود و هم‌زمان ذخایر بانک مرکزی برای «روز مبادا» نگه داشته می‌شود. ایران باید معادله بازآرندگی ایجاد کند و اجازه ندهد اهرمی مانند تنگه هرمز که در ابتدای جنگ به سود ایران عمل می‌کرد، به تدریج به نفع طرف مقابل تغییر کند.

وی با اشاره به عملکرد این رسانه در ماه‌های گذشته گفت: در هفت ماهی که از جنگ می‌گذرد، تلاش کردیم اخبار رویدادهای وتحلیل‌های مرتبط با تقابل ایران و آمریکا را به شکل تخصصی پوشش دهیم؛ تقابلی که حدود ۴۰ روز نخست بیشتر جنبه نظامی داشت و پس از آن به چیری تبدیل شد که در «مسیر اقتصاد» نام آن را «مسابقه تاب‌آوری» گذاشتیم.

یعنی استفاده از ظرفیت افراد و نهادهایی که سه ویژگی دارند: نخست اینکه اعتبار حرفه‌ای دارند، دوم اینکه با همتایان خود در دیگر کشورها ارتباط دارند و سوم اینکه می‌توانند در گفت‌وگوهای بین‌المللی نقش‌آفرینی کنند. رئیس اندیشکده حکمرانی شریف تأکید کرد: نقطه اتکای دیپلماسی نخبگانی، اعتبار تخصصی و ارتباطات حرفه‌ای افراد و نهادهاست. وی ادامه داد: این نوع دیپلماسی به دیپلماسی عمومی، فعالیت رسانه‌ای و دیپلماسی Track II نزدیک است، اما هیچ‌کدام از اینها نیست و ویژگی متمایز آن همان اعتبار تخصصی و ارتباط حرفه‌ای نخبگان و نهادهاست.

کارکرد نخست: شناخت

میرزایی با تشریح چهار کارکرد دیپلماسی نخبگانی گفت: نخستین کارکرد «شناخت» است. باید بتوانیم با نخبگان و نهادهای دیگر کشورها صحبت کنیم و بفهمیم آنها تحولات جهان را چگونه می‌بینند، چه نگرانی‌هایی دارند و به دنبال چه فرصت‌هایی هستند. وی افزود: این شناخت کمک می‌کند و شناخت‌های اداری و دیوان‌سالارانه، چه در ایران و چه در سایر کشورها، به دلیل محدودیت‌های سازمانی، کندی و فضای کارمندی، معمولاً نمی‌توانند هم‌پای سرعت تحولات حرکت کنند.

وی افزود: در نتیجه، میان سرعت فرآیندهای رسمی و شتاب تغییرات جهانی فاصله ایجاد می‌شود و اندیشکده‌ها به دلیل انعطافی که دارند، می‌توانند در این فاصله نقش‌آفرین باشند.

«دیپلماسی نخبگانی»؛ نقش مستقیم‌تر اندیشکده‌ها

میرزایی گفت: در اندیشکده حکمرانی شریف این نقش را با عنوان «دیپلماسی نخبگانی» دنبال می‌کنیم. وی افزود: دیپلماسی نخبگانی از نظرها

خارجی مشاهده کرده‌ام، به نظر می‌رسد راهی که دادن، بوده‌است؛ با این تصور که مذاکره و امتیاز دادن می‌تواند جنگ را از ایران دور کند. وی تأکید کرد: «ولی عملاً این راهبرد به نتیجه نرسیده و من نمی‌دانم تا کی می‌خواهیم این را ادامه بدهیم.»

جرایس از نقشی نوافقی، باز هم ایران از مذاکره سخن می‌گوید؟

رهگشای گفت: برای من روشن نیست دستگاه تصمیم‌گیر ایران با چه معیار و منطقی به این نتیجه می‌رسد که وقتی دشمن به شما حمله کرده، حتی در وسط مذاکره حمله کرده، و همبر فرماندهان را شهید کرده، بعداً تپش و نوافقی شکل گرفته و دوباره توافق نقض شده، باز در شرایطی که طرف مقابل محاصره، تهدید، فشار و جنگ اقتصادی را ادامه می‌دهد، این طرف ایرانی باشد که از مذاکره صحبت کند.

وی افزود: «این واقعاً عجیب است و نمی‌دانم با چه تقابل ایران و آمریکا گفت: آنچه امروز مسئله‌است، به نظرم رسد مسئله بازآرندگی باشد. اقتصاد ایران به یک بازآرندگی نیاز دارد تا بتواند مسیر آینده خود را ترسیم و برای آینده برنامه‌ریزی کند. وی افزود: این بازآرندگی در چرخه تنشی که با آمریکا داریم وجود ندارد و باید این چرخه را به هم بزنیم و یک معادله بازآرندگی ایجاد کنیم. رهگشای ادامه داد: ممکن است افراد مختلف پاسخ‌های متفاوتی برای نحوه ایجاد این بازآرندگی داشته باشند، اما از آنچه در رسانه‌های داخلی و

است. وی ادامه داد: همچنین فکرمی‌کنم اندیشکده حکمرانی شریف از معدود اندیشکده‌هایی باشد که هر سال برای دست‌کم حدود ۱۰ کنفرانس و رویداد بین‌المللی دعوت‌نامه دریافت می‌کند.

بیش از ۸۰ حضور رسانه‌ای بین‌المللی از آغاز جنگ ۴۰ روزه

میرزایی افزود: حضور در رسانه‌های بین‌المللی نیز بخش دیگری از فعالیت‌های اندیشکده بوده‌است. وی گفت: از آغاز جنگ ۴۰ روزه تا امروز، اساتید و پژوهشگران اندیشکده بیش از ۸۰ مصاحبه و حضور رسانه‌ای بین‌المللی داشته‌اند. وی ادامه داد: در این گفت‌وگوها تلاش شده دیدگاه‌های ایران به‌صورت روشن بیان شود و به پرسش‌های مخاطبان خارجی پاسخ داده شود.

کارکرد چهارم: مسیرسازی برای انتقال پیام

میرزایی گفت: چهارمین کارکرد «مسیرسازی برای انتقال پیام» است. گاهی اوقات که ارتباطات رسمی دشوار یا محدود می‌شود، ارتباط با نخبگان و نهادهای تخصصی دیگر کشورها می‌تواند راهی برای ادامه گفت‌وگو و فهم بهتر مواضع ایجاد کند.

وی افزود: این مسیرها می‌توانند در شرایطی که ارتباط رسمی کند شده یا امکان انتقال مستقیم پیام وجود ندارد، ظرفیت مکمل ایجاد کنند.

بیش از ۵۰ تقاهم‌نامه با اندیشکده‌های بین‌المللی

میرزایی در ادامه با اشاره به تجربه اندیشکده حکمرانی شریف گفت: این مجموعه در سال‌های ۵۰ اندیشکده بین‌المللی اخیر تلاش کرده در مسیر دیپلماسی نخبگانی

فعال است. وی افزود: در همین چارچوب، گروه بین‌الملل اندیشکده اخیراً به «مرکز دیپلماسی نخبگانی» تغییر نام داده‌است.

رئیس اندیشکده حکمرانی شریف گفت: این گروه امروز با بیش از ۵۰ اندیشکده بین‌المللی تقاهم‌نامه و MOU امضا کرده و بیش از ۲۰۰ نشست بین‌المللی با نخبگان و نهادهای خارجی برگزار کرده

کم کنیم و سوم همکاری با ایران را برای دیگران سودمندتر کنیم.»

دستورکار اول: هزینه تهدید ایران را بالا ببریم

میرزایی گفت: دستورکار نخست این است که توان دفاع از کشور و بازآرندگی معتبر حفظ و تقویت شود. وی افزود: رویارویی‌های اخیر نشان داده برای حفظ امنیت باید توان دفاع واقعی داشت. هرطرفی که بخواهد به ایران حمله کند یا درگیری را آغاز کند، باید بداند که باید هزینه آن را نیز بپردازد. وی تأکید کرد: بازآرندگی دقیقاً از همین نقطه آغاز می‌شود.

قدرت ملی فقط در توان دفاعی خلاصه نمی‌شود

میرزایی ادامه داد: قدرت ملی فقط به توان دفاعی محدود نیست و باید در «تداوم کارکرد نهاده‌ها در شرایط بحران» و همراهی جامعه» نیز تبلور پیدا کند. وی افزود: جامعه ایران می‌تواند هم‌نسبت به مشکلات داخلی منتقد باشد، هم خواهان اصلاح باشد و هم‌زمان در برابر مداخله خارجی از استقلال و تمامیت ارضی کشور دفاع کند. رئیس اندیشکده حکمرانی شریف تأکید کرد: این دو با یکدیگر تناقض ندارند و مسئولیت حکمرانی این است که این سرمایه اجتماعی را با شنیدن نقدها، باز کردن مسیر مشارکت و پاسخ دادن به مسائل مردم تقویت کند.

همراهی جامعه بخشی از قدرت ملی است

میرزایی گفت: اگر جامعه نسبت به مسائل داخلی نقد دارد، نباید نتیجه گرفت که در برابر تهدید خارجی همراه کشور نخواهد بود. تجربه نشان داده این دو می‌توانند هم‌زمان وجود داشته باشند. وی افزود: بنابراین بخشی از بازآفرینی قدرت، حفظ همین سرمایه اجتماعی و تقویت رابطه میان جامعه و حکمرانی است.

دستورکار دوم: آسیب‌پذیری‌های داخلی را کم کنیم

میرزایی در ادامه گفت: دومین دستورکار، کاهش آسیب‌پذیری‌های داخلی است و امنیت پایدار با پیشرفت اقتصادی پیوند مستقیم دارد. وی افزود: وقتی تولیدکننده نمی‌تواند درباره تأمین انرژی برنامه‌ریزی کند، نسبت به دسترسی به مواد اولیه اطمینان ندارد یا مقررات تجارت برای او قابل پیش‌بینی نیست، آسیب‌پذیری اقتصاد بیشتر می‌شود. وی ادامه داد: همین مسئله درباره خانوار نیز وجود دارد: وقتی خانواده نگران قدرت خرید خود است، توان تحمل فشار اقتصادی کاهش پیدا می‌کند.

فشار خارجی در نقاط ضعف داخلی اثر بیشتری پیدا می‌کند

رئیس اندیشکده حکمرانی شریف گفت: وقتی این آسیب‌پذیری‌ها در داخل وجود داشته باشد، فشار خارجی هم در همان بستر اثر بیشتری پیدا می‌کند. وی افزود: هرچه اقتصاد با ثبات‌تر باشد، تولیدکننده

اخبار

توانمندتر باشد و خانوار نگرانی کمتری درباره قدرت خرید داشته باشد. اثر فشار خارجی نیز کاهش پیدا می‌کند. میرزایی تأکید کرد: در چنین شرایطی، «قدرت انتخاب مردم و قدرت انتخاب ایران» بیشتری شود.

دستورکار سوم: همکاری با ایران را سودمندتر کنیم

میرزایی سومین دستورکار را «افزایش منفعت همکاری با ایران» دانست و گفت: این مسئله مستقیماً به بحث نظم‌نوین جهانی بازمی‌گردد. وی افزود: تحولات اخیر نشان داده کشورهای مختلف با مجموعه‌ای از نگرانی‌های مشترک روبه‌رو هستند: از جمله هزینه بحران، امنیت انرژی، امنیت کشتیرانی و پایداری تجارت. وی تأکید کرد: ایران باید برای این نگرانی‌ها پیشنهاد داشته باشد.

ایران باید برای مسائل دیگران پاسخ‌رو میز داشته باشد

میرزایی ادامه داد: ایران نمی‌تواند فقط انتظار داشته باشد دیگران اهمیت و موقعیت راهبردی کشور را درک کنند؛ باید برای مسائل و نگرانی‌های آنها نیز پاسخ و پیشنهاد عملی ارائه کند. وی افزود: این پیشنهادها باید وارد گفت‌وگو شود و به‌صورت مشخص روی میز قرار گیرد.

موقعیت ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز یک مزیت راهبردی است

رئیس اندیشکده حکمرانی شریف گفت: موقعیت ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز به کشور اهمیت راهبردی می‌دهد. وی افزود: این موقعیت از یک طرف می‌تواند برای ایران بازآرندگی ایجاد کند، اما از طرف دیگر باید پایه‌ای برای همکاری در حوزه‌هایی مانند امنیت انرژی، حمل‌ونقل و تجارت باشد. میرزایی تأکید کرد: هرچه کشورهای بیشتری در ثبات و رونق ایران منفعت داشته باشند، زمینه همکاری پایدار نیز بیشتر فراهم می‌شود.

تنگه هرمز فقط محل اعمال فشار نیست

وی ادامه داد: در چنین نگاهی، تنگه هرمز تنها از منظر بازآرندگی و اعمال هزینه دیده نمی‌شود؛ این موقعیت می‌تواند مبنایی برای شکل‌گیری منافع مشترک نیز باشد. میرزایی گفت: ایران باید بتواند اهمیت جغرافیایی خود را به پیشنهادهایی در حوزه امنیت انرژی، کشتیرانی و تجارت تبدیل کند.

دو واقعیت باید وارد محاسبات دیگران شود

میرزایی در جمع‌بندی گفت: به بیان ساده‌تر، دو واقعیت باید در محاسبات دیگر کشورها درباره ایران دیده شود.

وی افزود: نخست اینکه «تهدید ایران هزینه‌داره» و دوم اینکه «همکاری با ایران منفعت‌داره». رئیس اندیشکده حکمرانی شریف تأکید کرد: رسیدن به این وضعیت نیازمند کار مداوم است و ایران باید درباره این مسائل فکر کند و پیشنهادهای عملی روی زمین بیاورد.

اندیشکده‌ها می‌توانند در سه دستورکار نقش داشته باشند

میرزایی در پایان گفت: همان‌طور که در ابتدای بحث اشاره شد، اندیشکده‌ها می‌توانند در این مسیر سهم داشته باشند و از طریق دیپلماسی نخبگانی و چهار کارکرد «شناخت»، روایت‌سازی، شبکه‌سازی و مسیرسازی» نقش‌آفرینی کنند. وی افزود: این ارتباطات زمانی ارزشمند است که به مسائل مشخص کشور و به برنامه‌های اجرایی متصل شود.

رئیس اندیشکده حکمرانی شریف ابراز امیدواری کرد که همایش اقتصاد مقاومتی فرصتی فراهم کند تا این ایده‌ها به گفت‌وگو گذاشته شود و در نهایت به برنامه‌هایی روشن، اجرایی و قابل اجرا برسد.

دیپلماسی نخبگانی از نظر ما یعنی استفاده از ظرفیت افراد و نهادهایی که سه ویژگی دارند: نخست اینکه اعتبار حرفه‌ای دارند، دوم اینکه با همتایان خود در دیگر کشورها ارتباط دارند و سوم اینکه می‌توانند در گفت‌وگوهای بین‌المللی نقش‌آفرینی کنند

قرار بوده متناسب با نرخ ارز افزایش پیدا کند، ولی ابیروند یانرود.

وی افزود: در این حالی است که هزینه چنین تصمیمی بالایی است و در نهایت ممکن است به کسری بودجه منجر شود. حتی اگر فرض کنیم کسری بودجه دو درصد به تورم اضافه کند، باید آن را در کنار تورمی دید که اکنون از محل نرخ ارز به اقتصاد تحمیل می‌شود.

این کارشناس اقتصادی ادامه داد: از طرف دیگر جلوی افزایش نرخ ارز نیز گرفته نمی‌شود و گفته می‌شود ذخایر بانک مرکزی بر بماندن برای «روز مبادا» وی تأکید کرد: «این بازآرایش جنگی، به نظرم، من در عرصه اقتصادی خیلی فاصله دارد.»

معادله تنگه هرمز در حال بازآرندش به زبان ایران است

رهگشای در ادامه با اشاره دوباره به تنگه هرمز گفت: این اهرمی است که ایران در جریان جنگ به دست آورده و واقعاً می‌تواند جیگانه کشور را در نظم جهانی ارتقا دهد، اما اکنون به نظرمی‌رسد معادلات تاب‌آوری در این حوزه در حال بازآرندش است. وی افزود: فشار شدیدی که در ابتدای جنگ بر بازار انرژی وجود داشت، در حال کاهش است و آماری‌حاکمی از آن است که کشورهای منطقه در حال عبور دادن نفت خود از همین تنگه هرمز هستند. سردبیر «مسیر اقتصاد» گفت: «این نیز به دلایلی که می‌تواند از ناتوانی در رصد تا ملاحظات دیگر باشد، در این وضعیت بیشتر نظاره‌گر شده‌است؛ در حالی که محاصره همچنان جلوی عبور نفت ایران را می‌گیرد.

اختیار ما قرار می‌گیرد و همه دنیا در حال نگاه کردن هستند، باید بر این تأکید کنیم که طرف مقابل باید از ابزار محاصره و فشار فاصله بگیرد تا مسئله میان دو طرف قابل حل باشد. وی افزود: اما اگر تمرکز خود را بیشتر بر مشکلاتی بگذاریم که محاصره برای خودمان ایجاد کرده و بعد بگوییم «ما راه مذاکره را باز گذاشته‌ایم»، این به نظرمی‌رسد علامت ضعف باشد.

این کارشناس اقتصادی تأکید کرد: «ضعف نشان دادن این است که ما راهی جز مذاکره پیش روی خودمان نمی‌بینیم و ایسـن به نظر با واقعیت‌ها فاصله دارد.»

آمریکا در چهار عرصه آرایش جنگی دارد

رهگشای در بخش دیگری از سخنان خود گفت: آنچه موجب ناراحتی است این است که طرف مقابل از نظر نظامی، اقتصادی، روانی و رسانه‌ای یک «گاززار جنگی» و «آرایش جنگی» دارد و همه این عرصه‌ها را به‌صورت هماهنگ علیه ایران استفاده می‌کند. وی افزود: در مقابل، در ایران نه از نظر نهادی یک هماهنگی می‌بینیم که بر اساس اصولی مشخص تصمیم گرفته شود و آثار آن دنبال شود و نه از نظر عملکرد، آرایش جنگی مشاهده می‌شود. سردبیر «مسیر اقتصاد» تأکید کرد: «در عرصه اقتصاد هم آرایش جنگی نداریم.»

ماه‌ها درباره آرایش کالابزرگ بحث می‌شود

رهگشای برای توضیح این موضوع گفت: وقتی می‌بینیم تورم به مردم فشار وارد می‌کند، چند ماه درباره این بحث می‌کنیم که آیا کالابزرگی که



تاب‌آوری خود را نشان دهد. اگر حتی بخشی از چنین فشاری به بسیاری از کشورهای منطقه یا کشورهای اروپایی وارد می‌شد، احتمالاً خیلی سریع‌تر تسلیم می‌شدند.

وی ادامه داد: در کنار مشکلاتی که خودمان داریم، باید بر فشارهایی که به طرف مقابل وارد کرده‌ایم نیز تأکید کنیم؛ فشارهایی که در بازار انرژی، بازارهای مالی، بازار نرخ بهره و اوراق آنها ایجاد شده‌است.

«علامت ضعف» است

رهگشای با اشاره به نحوه روایت ایران در سطح بین‌المللی گفت: وقتی یک تریبون جهانی در

گزارش

علی صمدزاده، کارشناس امنیت و روابط بین الملل، با بیان اینکه جهان در شرایط گذار از نظم تک‌قطبی قُـسار دارد، گفت: قدرتی که موقعیت مسلط خود را از دست می‌دهد، الزاماً رفتارهای گذشته را تکرار نمی‌کند و همین مسئله بخشی از رفتارهای جدید آمریکا را توضیح می‌دهد. در دوره گذار، مناطق و قدرت‌های منطقه‌ای اهمیت مضاعفی پیدا می‌کنند و کشورهایی مانند پاکستان، هند، عربستان و امارات نیز بیش از آنکه تنها در واکنش به ایران عمل کنند، در حال تثبیت جایگاه خود در نظم آینده هستند. ایران برای مواجهه با این شرایط به «شکل جدیدی از استقلال»، استفاده پیچیده‌تر از ظرفیت‌هایی مانند تنگه هرمز و به‌ویژه توسعه هدفمند بدنه کارشناسی نیاز دارد؛ زیرا با گذشت زمان، هم دایره انتخاب‌های ایران محدودتر می‌شود و هم بخشی از انتخاب‌ها درباره ایران پیشاپیش از سوی دیگران انجام شده‌است. علی صمدزاده، کارشناس امنیت وروابط بین‌الملل، گفت: اگر شرایط امروز را از منظر روابط بین‌الملل بررسی کنیم، با یک نظم تثبیت‌شده مواجه نیستیم و جهان در حال گذار از نظم تک‌قطبی به شرایط جدیدی است. در چنین وضعیتی، یکی از مسائل مهم، رفتار قدرت یا بر قدرتی است که در حال دست دادن جایگاه خود است. قدرت‌های بزرگی که جایگاهشان تصعیف می‌شود، لزوماً همان رفتاری را که در دوره ثبات داشته‌اند ادامه نمی‌دهند.

رفتار قدرت در حال افول الزاماً قابل پیش‌بینی نیست
صمدزاده برای توضیح این وضعیت گفت: می‌توان یک قدرت بزرگ در حال افول را به ستاره‌ای در حال خاموش شدن تشبیه کرد؛ بعضی ستاره‌ها منجمد می‌شوند و بعضی به سیاه‌چاله تبدیل می‌شوند و محیط پیرامون خود را تحت تأثیر قرار می‌دهند. وی افزود: بنابراین بخش قابل توجهی از الگوهای که در دهه‌های گذشته برای تحلیل رفتار قدرت‌های بزرگ استفاده می‌شد، ممکن است امروز درباره آمریکا به همان شکل قابل استفاده نباشد. این کارشناس روابط بین‌الملل ادامه داد: آمریکا در سال‌های اخیر سویه‌های رفتاری جدیدی نشان داده و این تغییر حتی برای افکار عمومی جهان نیز قابل مشاهده است.

حتی نزدیک‌ترین متحدان آمریکا باید جایگاه خود را دوباره اثبات کنند
صمدزاده رفتار آمریکا با کانادا را نمونه‌ای از این تغییر دانست و گفت: کانادا از نزدیک‌ترین همسایگان و شرکای آمریکا بوده، اما امروز با رفتارهایی مواجه است که در مواردی «اغراق شده» و حتی تحقیرآمیز است.

وی افزود: این تغییر فقط به کانادا محدود نیست و حتی در روابط آمریکا با اسرائیل نیز دیده می‌شود. صمدزاده ادامه داد: در محافل تحلیلی ایران گاهی اختلافات آمریکا و اسرائیل به اختلاف شخصی ترامپ و نتانیاهو تقلیل داده می‌شود، در حالی که مسئله بزرگ‌تر این است که آمریکا از اسرائیل می‌خواهد نشان دهد آواره راهبردی آن بیشتر از هزینه‌ای است که برایش پرداخت می‌شود. وی گفت: اسرائیل نیز برای اثبات همین مسئله تلاش کرده دامنه کارکرد خود را فراتر از منطقه نشان دهد.

«پیمان‌های اسحاق» برای اثبات ارزش راهبردی اسرائیل

صمدزاده در ادامه گفت: یکی از نمونه‌های کمترمورد توجه، چیزی است که از آن با عنوان «پیمان‌های اسحاق» یاد می‌شود و در امتداد

پیمان‌های ابراهیم تعریف شده است.

وی افزود: نقطه آغاز این روند در آمریکای لاتین و در روابط اسرائیل و آرژانتین دیده شده و تلاش‌هایی برای گسترش آن به دیگر کشورهای این منطقه در جریان است.

این کارشناس امنیتی گفت: این رفتار نشان می‌دهد حتی اسرائیل، به‌عنوان یکی از نزدیک‌ترین متحدان آمریکا، در دوره گذار ناچار است جایگاه خود را دوباره برای واشنگتن اثبات کند و نشان دهد منافعش برای آمریکا فقط به سطح منطقه محدود نیست.

در دوران گذار، مناطق اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند
صمدزاده ادامه داد: تجربه تاریخی نشان می‌دهد در دوره‌های گذار، مناطق اهمیت مضاعفی پیدا می‌کنند و قدرت‌های صاحب نفوذ منطقه‌ای برای قدرت‌های در حال ظهور یا قدرت‌های در حال افول اهمیت بیشتری می‌یابند.

وی افزود: کشورهایی که موقعیت ژئوپلیتیکی، منابع و نفوذ منطقه‌ای در اختیار دارند، به بازیگران مهم‌تری در شکل‌گیری موازنه جدید تبدیل می‌شوند.

صمدزاده تأکید کرد: به همین دلیل، یارگیری در مناطق و تلاش برای ایجاد توازن‌های جدید منطقه‌ای، یکی از ویژگی‌های مهم دوره گذار است.

همه تحولات منطقه را نباید از دریچه ایران دید
وی در ادامه گفت: یکی از مشکلات ما این است که بسیاری از تحولات را فقط از زاویه ایران نگاه می‌کنیم و تصور می‌کنیم همه‌کنش‌های بازیگران منطقه‌ای مستقیماً ناشی از پرونده ایران است. صمدزاده افزود: برای نمونه، بیش‌فعالی پاکستان در پرونده‌های مختلف، از توافق مکه تا توافق دفاعی با کویت، الزاماً الزامیاتی با ایران ندارد.

وی ادامه داد: پاکستان پس از تجربه جنگ با هند و شرایطی که حتی خطر تشدید هسته‌ای در آن وجود داشت، تلاش بیشتری برای احیای جایگاه خود در شبه‌قاره و حفظ استقلال راهبردی‌اش آغاز کرده است.

پاکستان برای حفظ جایگاه خود در نظم آینده فعال شده است

این کارشناس روابط بین‌الملل گفت: پاکستانی‌ها برای گسترش آن به دیگر کشورهای این منطقه رانده شوند و نتوانند استقلال راهبردی خود را حفظ کنند، در نظم آینده ناچار به پذیرش قواعدی شوند که دهه‌ها در برابر آن مقاومت کرده‌اند. وی تأکید کرد: بنابراین نباید این حرکات را الزاماً به دوستی با ایران یا همسویی منافع پاکستان با ایران نسبت داد.

هند نیز انتخاب‌های سخت خود را انجام داده است

صمدزاده با اشاره به هند گفت: هندی‌ها نیز در این دوره تصمیمات سختی گرفته‌اند و نمونه آن ادامه خرید نفت روسیه با وجود فشار و تفرقه‌های آمریکا است.

وی افزود: دلیل این رفتار آن است که هند خود را در یک رقابت بلندمدت می‌بیند و هر فرصتی که بتواند جایگاه آن را نسبت به رقیب راهبردی‌اش ارتقا دهد، برایش اهمیت دارد.

ایران از قدرت غالب منطقه‌ای به قدرت صاحب نفوذ بازگشته است

صمدزاده در ادامه گفت: ایران در یک دوره، تقریباً از سال ۱۵-۲۰۱۶، قدرت غالب منطقه‌ای در غرب آسیا بود؛ چه خودمان این موقعیت را به‌درستی درک کرده باشیم و چه نه.

وی افزود: بعد از ۲۰۱۹ و تحولاتی رخ داد، ایران بخشی از این موقعیت را از دست داد و دوباره به یک قدرت صاحب نفوذ منطقه‌ای بازگشت. این کارشناس روابط بین‌الملل تأکید کرد: اکنون، صمدزاده افزود: برای نمونه، بیش‌فعالی پاکستان در پرونده‌های مختلف، از توافق مکه تا توافق دفاعی با کویت، الزاماً الزامیاتی با ایران ندارد. وی ادامه داد: پاکستان پس از تجربه جنگ با هند و شرایطی که حتی خطر تشدید هسته‌ای در آن وجود داشت، تلاش بیشتری برای احیای جایگاه خود در شبه‌قاره و حفظ استقلال راهبردی‌اش با داند.

وی افزود: این کشورها تلاش می‌کنند «سدا ایران» را کنار بزنند، جایگاه خود را در نظم آینده منطقه تثبیت کنند و نشان دهند که شریک منطقه‌ای مناسب‌تری برای هر قدرت بزرگی هستند که در نظم آینده دست بالا را پیدا کند.

صمدزاده تأکید کرد: این قدرت می‌تواند چین، آمریکا یا مجموعه‌ای از قدرت‌ها در یک نظم چندقطبی باشد؛ اما بازیگران منطقه‌ای از امروز در حال تلاش برای گرفتن دست برتر در شرکات آینده‌اند.

ایران نباید «دشمنی عمیق و هدفمند» را با تعارفات دیپلماتیک نادیده بگیرد

وی افزود: متأسفانه ایران نسبت به این «دشمنی عمیق، منسجم و هدفمند» بی‌توجه است و با وجود پرداخت هزینه دو جنگ، همچنان تلاش می‌کند با تعارفات معمول دیپلماتیک رفتار کند.

صمدزاده گفت: هر روزی که این وضعیت ادامه پیدا می‌کند، به طرف مقابل فرصت می‌دهد برنامه خود را منسجم‌تر و هدفمندتر کند تا در ضربه بعدی مؤثرتر عمل کند.

امارات و عربستان فقط در نسبت با ایران تعریف نمی‌شوند

صمدزاده در ادامه به امارات و عربستان اشاره کرد و گفت: البته همه رفتارهای این کشورها را درک کرده باشیم و نه.

وی افزود: بعد از ۲۰۱۹ و تحولاتی رخ داده است، خود این بازیگران رخ داده است؛ از جمله منازعه آشکار میان عربستان و امارات در پرونده یمن. وی گفت: این منازعه جایگاه عربستان را در یمن تقویت کرد و در مقابل، خروج یک شایع حمایت امارات در برخی حوزه‌ها نیز به افزایش سرعت پیشروی انصارالله کمک کرد.

صمدزاده تأکید کرد: اصل مشترک این تحولات، تلاش بازیگران برای اثبات دست بالا در نظم منطقه‌ای آینده است.

با تعارفات نظم پیشین، نمی‌توان دوره جدید شد
این کارشناس امنیتی گفت: ایران دیگر نمی‌تواند

با ادبیات و تعارفات دوره نظم قبلی در منطقه عمل کند. وی افزود: حتی در تعامل با چین نیز ایران باید این مسئله را روشن کند که در شرایط جدید نمی‌توان همه بازیگران منطقه را در یک سطح دید.

صمدزاده ادامه داد: ممکن بود در دوره پیش از دو جنگ بتوان از روابط متوازن چین با شمال و جنوب خلیج فارس سخن گفت، اما پس از تجربه جنگ ورود به دوره گذار، ایران نمی‌تواند همان الگوی قبلی را بدون تغییر بپذیرد.

صمدزاده: بعد از دو جنگ نمی‌توان مانند گذشته کنار یک‌میز نشست

وی در ادامه با ادبیاتی صریح گفت: پس از تجربه دو جنگ، ایران نمی‌تواند مانند گذشته در کنار امارات و عربستان بنشیند و فرض کند شرایط همان شرایط قبل است.

صمدزاده مدعی شد این کشورها فقط در جایگاه میزبان یا در اختیارگذارنده پایگاه برای آمریکا نبوده‌اند، بلکه به اعتقاد او در تأمین مالی و پشتیبانی از فشار علیه ایران نیز نقش داشته‌اند.

وی تأکید کرد: این گزاره باید در طراحی سیاست منطقه‌ای ایران مورد توجه قرار گیرد و نمی‌توان همه طرف‌ها را با یک الگوی خنثی و برابر دید.

غرب تصمیم خود را درباره ایران گرفته است

صمدزاده در بخش دیگری از سخنان خود گفت: ایران در شرایطی قرار دارد که باید انتخاب‌های سخت انجام دهد، اما رفتار سیاست خارجی کشور هنوز متناسب با این واقعیت نیست. وی افزود: برخی همچنان تصور می‌کنند ایران می‌تواند بین غرب و شرق نقش میانجی داشته باشد و توانایی شبیه دوره گذشته برقرار کند.

صمدزاده تأکید کرد: به اعتقاد من، غرب تصمیم خود را درباره ایران گرفته است.

سخنان مرتس نشانه یک «تصمیم» بود
وی به اظهارات فریدریش مرتس، صدراعظم آلمان، در جنگ دوازده‌روزه اشاره کرد و گفت:

وقتی او گفت اسرائیل «کار کثیف غرب» را انجام

می‌دهد، این صرفاً یک اشتباه لفظی یا مصاحبه‌ای نبود.

صمدزاده افزود: این جمله نشان‌دهنده تصمیمی درباره ایران و منطقه بود.

وی ادامه داد: ایران این تصمیم را در میدان متوقف کرد، اما هنوز به‌طور کامل نپذیرفته که اصل تصمیم گرفته شده است.

این کارشناس روابط بین‌الملل گفت: بنابراین بعد از جنگ، زمان آن نیست که تصور کنیم می‌توان با بازگشت سریع به تعارفات و دست دوستی، شرایط قبل را احیا کرد.

اشاره به رونه و «پنج هزار پرواز ترابری»

صمدزاده همچنین به اظهارات مارک رونه، دبیرکل ناٹو، اشاره کرد و گفت: وا اخیراً تأکید کرده است که در جنگ چهل‌روزه، اروپا در کنار آمریکا قرار داشته و بیش از پنج هزار پرواز ترابری از اروپا انجام شده است.

وی این اظهارات را نشانه‌ای دانست که کشورهای اروپایی همچنان بر همان تصمیم قبلی استاده‌اند و حتی تلاش می‌کنند سهم خود را در جنگ به آمریکا یادآوری کنند.

ایران نمی‌تواند نسخه کاهش تنش را از بیرون بپذیرد

صمدزاده ادامه داد: در چنین شرایطی، ایران

نمی‌تواند بپذیرد که یک بازیگر خارج از منطقه،

چه چین باشد، چه روسیه یا هر طرف دیگری،

نسخه ساده «کاهش تنش» برای ایران تجویز کند.

وی افزود: طراحی سیاست باید در داخل ایران انجام شود و متناسب با واقعیت‌های جدید باشد.

ایران به «استقلال جدید و جهش یافته» نیاز دارد این کارشناس امنیتی گفت: ایران امروز به «استقلال جدید، استقلال جهش یافته و شکل جدیدی از استقلال» در شرایط گذار بین‌المللی نیاز دارد.

افزود: این استقلال نباید با نسخه‌های ساده‌انگارانه تعریف شود؛ زیرا محیط جدید بسیار پیچیده‌تر از دوره نظم تثبیت شده است.

تنگه هرمز را فقط از سمت تولیدکننده بنیینیم

صمدزاده در ادامه به تنگه هرمز و کریدورهای انرژی اشاره کرد و گفت: ایران اکنون این کریدورها را عمدتاً از زاویه مبدأ و تولیدکننده مدیریت می‌کند.

وی افزود: نگاه ما به امارات، قطر و کویت است، اما کمتر به سمت مصرف‌کنندگان و مقصد محموله توجه می‌کنیم.

وی تأکید کرد: در حالی که بسیاری از ابزارهای مؤثر ایران می‌تواند در سمت مصرف‌کننده تعریف شود. صمدزاده هزینه دو جنگ، محموله‌ای که از منطقه عبور می‌کند مقصد مشخصی دارد و ایران می‌تواند در طراحی سیاست خود بعضی مصرف‌کنندگان را

هدفمند منتفع یا متضرر کند.

در محافل تحلیلی ایران گاهی اختلافات آمریکا واسرائیل به و نتانیاهو تقلیل داده می‌شود، در حالی که مسئله بزرگ‌ترین است که آمریکا از اسرائیل می‌خواهد نشان دهد آورده راهبردی آن بیشتر از هزینه‌ای است که برایش پرداخت می‌شود

مشکل اصلی، ناتوانی در هضم پیچیدگی است

وی ادامه داد: دلیل اینکه چنین سیاست‌های پیچیده‌ای کمتر طراحی می‌شود، ضعف جدی بدنه کارشناسی است.

صمدزاده گفت: دستگاه اجرایی کشور در بسیاری از حوزه‌های جغرافیایی و منطقه‌ای از نظر کارشناس بسیار «لاغر» است.

وی افزود: در برخی پرونده‌های سیاست خارجی، با یک کارشناس یا یک حلقه بسیار کوچک کارشناسی مواجه هستیم؛ به‌طوری‌که حتی امکان شکل‌گیری تنوع دیدگاه سیاسی هم وجود ندارد.

«دانش آموخته زیاد داریم، اما کارشناس بسیار اندک داریم»

صمدزاده با اشاره به خروجی دانشگاه‌ها گفت: دانشگاه‌ها نیروی زیادی تربیت می‌کنند، اما بسیاری از این افراد در عمل وارد حوزه کارشناسی نمی‌شوند.

وی افزود: کسی که حوزه مورد مطالعه خود را به‌صورت روزانه رصد نمی‌کند، اخبار و تحولات آن را دنبال نمی‌کند و شناخت انباشته ندارد، صرفاً دانش آموخته آن رشته است.

وی تأکید کرد: «دانش آموخته زیاد داریم، اما

کارشناس بسیار اندک داریم.»

پیچیدگی دوره گذار با حلقه‌های کوچک کارشناسی قابل مدیریت نیست

صمدزاده گفت: دوره گذار از نظم بین‌المللی پیچیده‌تر از دوره تثبیت نظم است و ایران باید هم‌زمان روابط و تنش‌های خود با چین، آمریکا، روسیه، اروپا و سایر قدرت‌ها را مدیریت کند. وی افزود: رفتار روسیه قبل و بعد از جنگ اوکراین یکسان نیست، همان‌طور که چین، آمریکا و اروپا نیز در حال تغییرند.

این کارشناس روابط بین‌الملل تأکید کرد: چنین سطحی از پیچیدگی از توان پردازش یک حلقه کوچک کارشناسی خارج است.

در بعضی حوزه‌ها کارشناس بیش از نیاز داریم و در بعضی حوزه‌ها تقریباً هیچ‌کس

صمدزاده در ادامه گفت: توسعه بدنه کارشناسی باید هدفمند باشد؛ زیرا توزیع کارشناسان در ایران متوازن نیست.

وی افزود: در حوزه‌هایی مانند آمریکای شمالی و اروپا، به دلیل جهش‌گیری تاریخی و فرهنگی نهادها، تعداد کارشناسان حتی بیشتر از نیاز است. صمدزاده با بیان مثال گفت: ممکن است برای یک موضوع مربوط به آمریکا دو کارشناس لازم باشد، اما صد نفر در این حوزه حضور داشته باشند؛ در حالی که برای بعضی کشورهای چین، آسیای مرکزی یا حوزه شائگهای عملاً کارشناس کافی نداریم.

وی افزود: حتی در بعضی موارد، فردی که مدتی در یک کشور مأموریت اداری داشته، بعداً به عنوان «کارشناس» آن کشور معرفی می‌شود، در حالی که صرف تجربه حضور در یک محیط به معنای داشتن شأن کارشناسی نیست.

زمان به زبان دایره انتخاب‌های ایران حرکت می‌کند

صمدزاده در جمع‌بندی گفت: پیچیدگی صحنه ایجاب می‌کند ایران انتخاب‌های خود را با سرعت بیشتری انجام دهد. وی تأکید کرد: «هرچقدر زمان می‌گذرد، دایره انتخاب‌ها محدودتر می‌شود.» این کارشناس امنیت و روابط بین‌الملل افزود: مسئله دوم این است که باید بپذیریم بسیاری از بازیگران، انتخاب‌های خود را درباره ایران از قبل انجام داده‌اند. صمدزاده در پایان تأکید کرد: با تعارف، صحنه‌بینی یا تلاش برای راضی نگه داشتن همزمان همه طرف‌ها نمی‌توان منافع ملی و امنیتی ملی ایران را تأمین کرد.



نظم غرب آسیا در آستانه شکل‌گیری است

وهم‌فراایی قرار گیرد، نه در خدمت تثبیت نتیجه‌ای که از قبل انتخاب شده است.

جنگ اخیریک «نقطه عطف» است
خداقلی پور در ادامه به اظهارنظری از مارک دوبوویتز اشاره کرد و گفت: هرچند ما با بسیاری از مواضع او مخالفیم، اما در ابتدای جنگ عبارتی مطرح کرد که شاید بتوان با اصل آن موافق بود.

وی گفت: دوبوویتز گفته بود تحولاتی که اکنون در منطقه رخ می‌دهد، می‌تواند سرنوشت بسیار بلندمدت منطقه را تعیین کند.

خداقلی‌پور تأکید کرد: به اعتقاد من، جنگ و تجاوزی که علیه ایران صورت گرفته، از هر زاویه‌ای که دیده شود یک «نقطه عطف» است.

به هیچ صورتی به دوران پیشاجنگ برنخواهیم گشت

وی در جمع‌بندی گفت: تأکید ما این است که ایران «به هیچ صورتی و در هیچ موضوعی» به دوران پیشاجنگ بازخواهد گشت.

خداقلی‌پور افزود: منطقه‌نیز به شرایط پیشاجنگ بازخواهد گشت و ترتیبات گذشته دیگر قابل بازسازی به همان شکل نیست.

وی تأکید کرد: اگر چنین ادعایی داریم، نمی‌توانیم فقط منتظر بنامیم دیگران برای نطف جدید طرح ارائه کنند.

ایران باید ایده خودش را روی میز بگذارد

معاون مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه در پایان گفت: در شرایطی که معتقدیم منطقه وارد مرحله‌ای جدید شده، ایران نیز باید ایده و راهکار مدنظر خود را برای آینده روی میز بگذارد. وی افزود: دیگران از ایران انتظار دارند

که متناسب با وزن، ظرفیت و جایگاهی که برای خود قائل است، درباره نظم آینده نیز پیشنهاد مشخص داشته باشد.

خداقلی‌پور تأکید کرد: اگر دوران پیشاجنگ تمام شده است، ایران نیز باید برای دور پس از آن، حرف، طرح و ابتکار مشخص خود را ارائه کند.

علیرضا خداقلی پور، معاون مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، با بیان اینکه دوران گذار از نظم بین‌المللی به مراحل پایانی خود نزدیک شده است، گفت: سرعت و دامنه تغییرات در محیط جهانی به اندازه‌ای افزایش یافته که مواضع و رفتارهایی که از چندی پیش غیرقابل تصور بود، امروز در اروپا و دیگر نقاط جهان مشاهده می‌شود. جنگ اخیریک «نقطه عطف» است و ایران و منطقه به هیچ صورتی به شرایط پیش از جنگ بازخواهند گشت. مسئله اصلی برای ایران این است که به‌جای انتظار برای شکل‌گیری ترتیبات جدید از سوی دیگران، ایده و راهکار خود را برای نظم پساجنگ روی میز بگذارد.

علیرضا خداقلی پور، معاون مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، با اشاره به تحولات سال‌های اخیر گفت: به نظر می‌رسد آن دوره‌ای که از آن با عنوان «دوران گذار نظم بین‌المللی» یاد می‌کردیم، در حال نزدیک شدن به مراحل پایانی خود است. اتفاقات زیادی در جهان امروز در حال رخ دادن است که برای فهم آن‌ها گاهی باید با صحنه فاصله گرفت و از دورتر نگاه کرد؛ زیرا بسیاری از تحولاتی که امروز عادی شده تا چند سال پیش حتی تصور آن دشوار بود.

تحولاتی که چند سال پیش نمودشان دشوار بود
خداقلی پور اشاره به مواضع برخی رهبران اروپایی در مجمع عمومی سازمان ملل گفت: اگر کسی چند سال قبل سخنان امروز رئیس‌جمهور فرانسه یا نخست‌وزیر ایتالیا درباره اسرائیل، آمریکا و نظم جهانی را می‌شنید، شاید باور نمی‌کرد این مواضع از سوی رهبران کشورهای اروپایی مطرح شود. وی همچنین به اعتراضات خیابانی در اروپا اشاره کرد و گفت: در برلین، شهری که تا سال‌های نه‌چندان دور نگاه غالب اجتماعی به مسئله اسرائیل با احساس مسئولیت تاریخی آلمان پیوند خورده بود، امروز تجمع‌های دهه‌ها رزاق نفردی در حمایت از فلسطین و علیه اسرائیل برگزار می‌شود. این مقام وزارت امور خارجه تأکید کرد: «تحولات خیلی سریع دارد اتفاق می‌افتد. ما داریم تاریخ را زندگی می‌کنیم.»